

بریگادهای آنارشویست در خدمت ناتو

تی یری میسان

Les Brigades anarchistes de l'Otan

par Thierry Meyssan

در غرب آن را به مثابه اتوپی دوست داشتنی معرفی کرده اند، «روژاوا» (بخش کرد نشین در شمال خاوری و شمال باختری سوریه که بخشی از استان های حسکه، رقه و حلب را در بر می گیرد)، اما روژاوا نوبرانه و خیلی تازه در واقع یک دولت استعماری ست که واشنگتن خواهان آن بود تا در خون نطفه ببندد. این بار طرح بر این اساس است که مردم شمال سوریه را از محل زندگی شان برانند و مردم دیگری را جایگزین کنند که در آنجا به دنیا نیامده اند. برای تحقق این پاکسازی قومی، پنتاگون و سیا مبارزانی را از بین چپ های افراطی اروپائی بسیج کرده اند. تی یری میسان این طرح را از یک سال و نیم پیش افشا می کند.

شبکه ولتر | دمشق (سوریه) | 10 سپتامبر 2017



در فوریه 2016، «تزار ضد تروریست» کاخ سفید، برت مک گرک Brett McGurk به فرمان رئیس جمهور اوباما فرستاده شده بود تا نبرد عین العرب (کوبانی) را نظارت کند. به همین مناسبت از سوی یگانهای مدافع خلق (YPG) مدال دریافت کرد. با وجود این، حزب مادر PKK حزب کارگران کردستان (ترکیه) از سوی واشنگتن در فهرست سازمانهای «تروریست» به ثبت رسیده است.

«جنگ، صلح است. آزادی، بردگی ست. ناآگاهی نیروست». (جرج اورول، 1984).

در سالهای 90-1980، جامعه کُرد قویاً فئودال و پدرسالار بود، و در عقب ماندگی و خیمی نگهداشته شده بود، یعنی موردی که کُردها را به شورش علیه دیکتاتورهای نظامی که در آنکارا یکی جانشین دیگری می شد سوق می داد(1).

حزب کارگران کردستان (PKK) یک سازمان مارکسیست لنینیست بود که از سوی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی پشتیبانی می شد و علیه دیکتاتوری ژنرالهای کمالیست عضو ناتو مبارزه می کرد. حزب کارگران کردستان زنان را آزاد کرد و به صف مبارزه ترقی خواهان پیوست. به کمک حافظ اسد، اردوی نظامی خود را در دره بقاع به پشتیبانی نیروی حافظ صلح سوریه در کنار جبهه خلق برای آزادی فلسطین مستقر کرد.

طی این دوران حزب کارگران کردستان سخت ترین کلماتی که باید و شایست علیه «امپریالیسم آمریکا» به کار می برد.

وقتی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی دچار فروپاشی شد، حزب کارگران کردستان 10000 سرباز تمام وقت و بیش از 75000 سرباز ذخیره در اختیار داشت. در جنگ آزادیبخش بیش از 3000 دهکده تخریب شد و بیش از 2 میلیون نفر آواره شدند. ولی با وجود این همه تحمل خسارت و قربانی با شکست روبرو شد.

رهبر تاریخی شورش، عبدالله اوجالان در سال 1999 طی یک عملیات مشترک بین سرویس های اطلاعاتی ترکیه، ایالات متحده آمریکا و اسرائیل در کنیا دستگیر و سپس در جزیره ایمرالی در دریای مرمره زندانی شد.

حزب کارگران کردستان فروپاشید و بین رهبر زندانی که با گفتگو برای صلح موافق بود و معاونش که جنگ برای او به شیوه زندگی تبدیل شده بود تقسیم شد. چند سوء قصد صورت گرفت بی آنکه واقعاً بدانیم چه کسی در منشأ آنها بوده، مبارزانی که از خلع سلاح سر پیچی کرده بودند و یا بخشی از سرویس اطلاعاتی ژاندارمری ترکیه (JITEM) که آنها نیز با آتش بس موافق نبودند.

در آغاز «بهار عرب» عبدالله اوجالان حزب کارگران کردستان را از داخل سلول زندانش پیرامون ایدئولوژی جدیدی بازسازی کرد. پس از گفتگوهای سری با ناتو در زندان ایمرالی، او مارکسیسم لنینیسم را به نفع «کمونیسم آزادیخواهانه» رها کرد. او که همیشه علیه ترکیه برای ایجاد دولت خاص خودش، کردستان، مبارزه کرده، از این پس می گوید که هر دولتی در ماهیت خود ابزاری ست برای سرکوب (2).

مبارزان حزب کارگران کردستان طی جنگ داخلی مجبور شدند از ترکیه فرار کنند و در شمال سوریه پناه گرفتند (3). به نام حزبش، اوجالان متعهد شد که هرگز مدعی سرزمین سوریه نشود. در سال 2011، در آغاز جنگ غرب علیه سوریه، کردها شبه نظامیانی را تشکیل می دادند که برای دفاع از کشوری که به آنها پناه داده و ملیت سوری اعطا کرده بود موضع گرفته بودند.

با وجود این، در 31 اکتبر 2014، یکی از دو رهبر یگانهای مدافع خلق YPG شاخه سوری از حزب کارگران کردستان PKK، صالح مسلم در یک گردهمایی سری در کاخ الیزه با فرانسوا هولاند و رئیس جمهور ترکیه رجب طیب اردوغان شرکت کرد. در این گردهمایی طرح ایجاد کردستان در سوریه را مطرح کردند و به صالح مسلم قول دادند که اگر این طرح را بپذیرد او نیز می تواند رئیس جمهور این کشور شود.

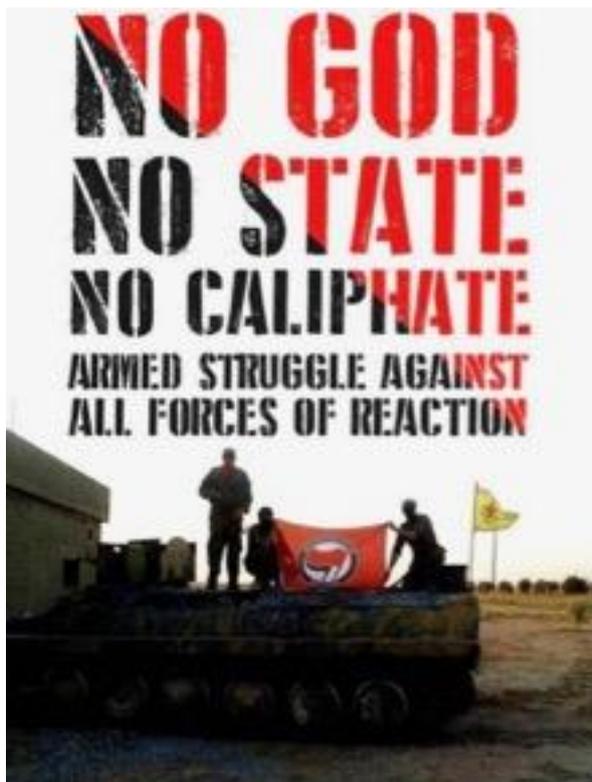
فوراً پس از این گردهمایی، اتحادیه بین المللی که ایالات متحده ظاهراً برای مبارزه علیه داعش ایجاد کرده بود از یگانهای مدافع خلق YPG پشتیبانی کرد و برای آنان پول، آموزش، جنگ افزار تدارک دید و سازماندهی شان کرد. در نتیجه این گروه نیز نفرین هائی را که نثار واشنگتن می کرد بفراموشی سپرد و از

این پس به هم پیمان بسیار خوب «امپریالیسم آمریکا» تبدیل شد. بر این اساس سازمان کردستانی ساکنان منطقه را از محل زندگی شان اخراج کرد.



تبلیغات آمریکائی

به این علت که تا اینجا هیچ نبردی بین یگانهای مدافع خلق و داعش روی نداده بود، ایالات متحده آمریکا صحنه پردازی پر جنجال در گیریهای عین العرب را راه اندازی کرد که به همین مناسبت به گویش کرمانجی به نام کوبانی نامیدند. از رسانه های بین المللی نیز دعوت به عمل آمد تا در امنیت کامل و بی آنکه خطری تهدیدشان کند رویدادها را پوشش دهند. این شهر روی مرز سوریه و ترکیه واقع شده و روزنامه نگاران می توانستند از ترکیه با دوربین نبردها را پی گیری کنند. نمی دانیم واقعاً در عین العرب چه روی داده، زیرا روزنامه نگاران اجازه ورود به آنجا را نداشتند. با وجود این تصاویری که با دوربین فیلم برداری شده بر گزارشاتی صحنه می گذارد که حاکی از شدت و شقاوت نبردها بوده است. در هر صورت، غربی ها در هماهنگی نتیجه می گیرند که در مبارزه علیه داعش و سوریه، کردها همپیمان آنان هستند.



«نه خدا، نه دولت !»، برای دفاع از دولت «روژاوا» به پا خیزید و در اتحاد با امپراتوری آمریکا «علیه نیروهای ارتجاع» مبارزه کنید.

نشریات غربی اطمینان می دهند که زنان نیمی از سربازان کُرد را تشکیل می دهند، همان گونه که در سطح رهبران حزب کارگران کردستان و یگانهای مدافع خلق. با وجود این، حضورشان در میدان بسیار نایاب است. روزنامه نگاران در عین حال می گویند که زنان مبارز کرد جهاد طلبان را به وحشت می اندازند، زیرا بر اساس اعتقاداتشان اگر بدست زن کشته شوند راه بهشت بر آنها بسته می شود. ولی جای شگفتی دارد که همین روزنامه نگاران فراموش می کنند و یا غالباً نمی دانند که ارتش عرب سوریه نیز داران سپاهیان زن است که از سوی جهادطلبان با همان قاطعیتی مورد حمله قرار می گیرند که علیه سربازان مذکر سوریه می جنگند.

خلاف ظاهر امر، تعداد نفرات یگانهای مدافع خلق به آن اندازه ای که ادعا می کنند پر شمار نیست. بسیاری از کُردهای سوریه ایالات متحده آمریکا را به مثابه دشمنی قدرتمند و سوریه را نیز به مثابه میهن جدید خود می دانند، و تصورات پوشالی صالح مسلم را مردود می پندارند.

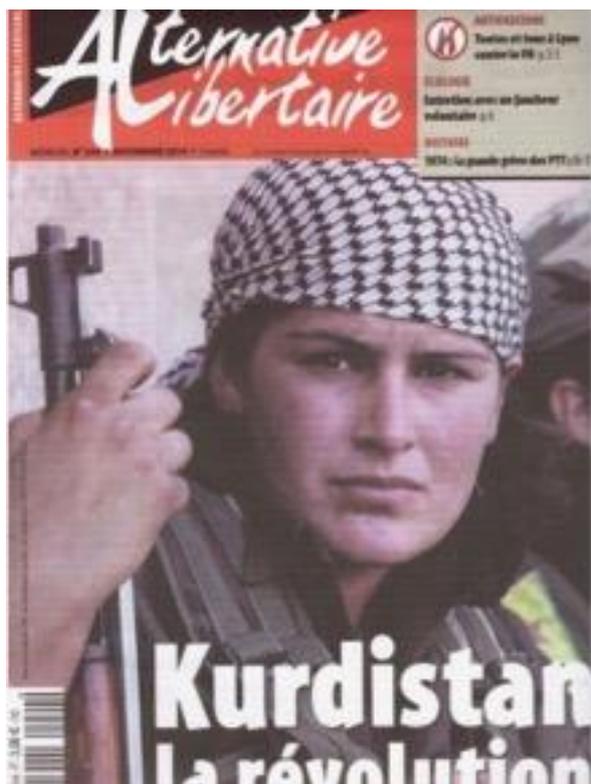
پنتاگون به هچنین نه فقط تعدادی مزدور عرب و سوری را به این گروه از کُردها اضافه کرده بلکه به ویژه مبارزان چپ افراطی اروپائی را نیز برای پیوستن به آنان فراخوانده است.



به همان شیوه ای که سازمان سیا CIA ده ها هزار جوان مسلمان غربی را برای ایجاد بریگاد اسلامگرا سازماندهی کرد، آنارشیستهای اروپائی را نیز، بر اساس الگویی که در سال 1936 در بارسلون علیه فاشیستها سازماندهی شده بود، برای تشکیل بریگاد بین المللی به خدمت گرفتند. به این ترتیب، به مثابه گروه های کمکی برای یگانهای مدافع خلق YPG و ناتو می توانیم از یگانهای ضد فاشیست انترناسیونالیست (اروپای مرکزی) بریگاد باب کرو Bob Crow (انگلیسی و ایرلندی)، بریگاد هانری کرازوکی Henri Krasucki فرانسوی، نیروهای بین المللی برای اتحاد بین المللی (یونانی)، اتحاد حزب مارکسیست لنینیست (اسپانیائی)، و همهٔ گروهکهای ترکیه از طرفداران ایالات متحده یاد کنیم:

(DK, DKP, MLSPB-DC, PDKÖ, SI, TDP, TKEP/L, TKPML)

و این فهرست از اسامی گروه ها فقط برای یادآوری برجسته ترینشان کافی خواهد بود(4).



بیائید علیه سرمایه در کنار نیروهای ویژه ایالات متحده در «روژاوا» بجنگید !

نبرد عین العرب (کوبانی) بر مبنای این طرح بود که جوانان سوری مدافع خلیفه را در مقابل جوانان کُرد قرار دهد و به ویژه به بهای جان هر دو طرف و جوانان اروپائی که در جستجوی جهانی بهتر بودند تمام شد. کشورهای اروپائی نگران بازگشت جوانان جهاد طلب به کشورهایشان هستند ولی در مورد جوانان آنارشیست گرچه به همان اندازه می توانند خطرناک باشند بیمی بخود راه نمی دهند، زیرا فکر می کنند که این گروه را خیلی ساده تر می توانند به بازی بگیرند و در ماجراجوئی های آینده امپریالیستی بازسازی و دوباره فعال کنند.

در ژوئن 2015، حزب دموکراتیک خلق ها (HDP) نام جدید برای حزب کارگران کردستان PKK، پشتیبانی مالی مهمی دریافت کرد و از سازماندهی سازمان سیا علیه حزب عدالت و توسعه رجب طیب اردوغان برخوردار شد. ناگهان، از حد 10% رأی ضروری برای ورود به مجلس بزرگ ملی عبور کرد و 80 کرسی نمایندگی را بدست آورد.

در 17 مارس 2016، یگانهای مدافع خلق در «روژاوا» اعلان خود مختاری کردند، یعنی سرزمینی که منطقه کردستان عراق را در طول مرکز سوریه و ترکیه به مدیترانه وصل می کند، ولی فقط در بخشی که در سمت سوریه واقع شده است. در نتیجه «روژاوا» به ویژه منطقه ادلب را در برمی گیرد که در حال حاضر در تصرف القاعده است.

اعلام تشکیل دولت از سوی مردمی که در آنجا بدنیا نیامده اند و به بهای اخراج مردم بومی، با اسرائیل قابل مقایسه است که اعلام تشکیل دولت اسرائیل در سرزمین فلسطین از سوی یهودیانی اعلام گردید که در آنجا زمین خریداری کرده بودند. انتخاب نام «روژاوا» برای تفکیک آن با «کردستان» بود که در ترکیه واقع شده و در سال 1920 طی معاهده سور *Traité de Sèvres* اعلام گردید.

وقتی امارات القاعده در ادلب و خلیفه داعش در رقه رو به زوال رفتند، ناتو همچنان طرح تجزیه جمهوری عرب سوریه را پی گیری کرد و بر آن است تا «روژاوا» در قامشلی را ایجاد کند.

نشریات غربی شیفته «اوژاوا» شده اند زیرا تمام محسنات مد روز را نشان می دهد: صلح جوئی، برابری، فمینیسم، اکولوژیست، مشتاق سازندگی و جز اینها (5). از دیدگاه این نشریات اهمیتی ندارد که یگانهای مدافع خلق یک ارتش را تشکیل می دهند، اهمیتی ندارد که علیه ساکنان تاریخی و قدیمی شمال سوریه می جنگند، عرب ها، آشوری ها، زیرا روی کاغذ با آنها نیروهای دموکراتیک را تشکیل می دهند.

ویدئو : در سوریه بریگادهای اروپائی تحت فرماندهی ایالات متحده می جنگند

https://www.youtube.com/watch?v=bc_UIZE3hG0&t=14s&pbjreload=10

توضیح درباره ویدئو : با دل بستگی به واقعیت اطلاعاتی که منتشر می کنیم، می خواستیم این متن را با نمایش ویدئویی همراه کنیم که از سوی گروه های آنارشیست آلمانی تهیه شده بود و نشان می داد که به نیروهای ناتو و یگانهای مدافع خلق در روژاوا پیوسته اند. یکشنبه 10 سپتامبر این مدرک صدا و سیمائی را در حساب یوتوب خودمان منتشر کردیم. ولی یوتوب که عملاً دل بستگی مشابهی به خدمات حقیقت جویانه ما ندارد، خلاف داعیه اش برای «اخلاق وظیفه گرا» آن را سانسور کرد.

طرح های یگانهای مدافع خلق و حزب دموکراتیک خلق ترک در واقع متعلق به استراتژی نظامی ایالات متحده است. از سال 2001، پیشینی پنتاگون در کوتاه مدت ترسیم مجدد «خاورمیانه بزرگ» است، یعنی تجزیه دولتهای بزرگ به دولتهای کوچک یکپارچه، که توانائی رویارویی با ایالات متحده را نداشته باشند. در دراز مدت، پیشینی کرده تا این کشورهای کوچک را در مقابل یکدیگر قرار دهد و در یک سیر قهقرائی منطقه را در هرج و مرج فرو ببرد.

«روژاوا» اعلان دولت مستقل نکرده زیرا بر اساس نظریه اوجالان جدید، هر دولت - ملتی بخودی خود مردود است. ولی به گفته ناتو، فقط یک دولت مستقل است که باید با دولتهای مستقل دیگر همکاری کند (کنفدراسیون تشکیل دهد)، بی گمان پس از دوران پسا سرنگونی دولت - ملت سوریه.

به گفته نظریه پرداز مرجع آمریکائی «محیط زیست گرای آزادیخواه» موریس بوکچین Murray Bookchin، برای کارکرد مؤثر دموکراسی، جوامع آزادیخواه باید یکپارچه باشند. به همین علت «صلح طلبان» در یگانهای مدافع خلق در حال حاضر پاکسازی قومی را در «روژاوا» آغاز کرده اند.

[Thierry Meyssan](#)

[1] *Blood and belief : the PKK and the Kurdish fight for independence*, Aliza Marcus, New York University Press, 2007.

[2] *The Political Thought of Abdullah Öcalan : Kurdistan, Women's Revolution and Democratic Confederatism*, Abdullah Öcalan, Pluto Press, 2017.

[3] *The Kurds in Syria : the forgotten people*, Kerim Yildiz, Pluto Press, 2005.

[4] [“LGBT Brigades In Syria ? Western Anarcho-Leftists Cutting Their Teeth With Western-Backed Kurdish YPG”](#), Brandon Turbeville, *Activist Post*, July 27, 2017. [“Le Rojava, un califat d'extrême gauche ? Réseaux "antifascistes" et terrorisme : le laboratoire kurde”](#), *Observatoire des extrêmes de gauche*, 16 août 2017.

[5] *The Pkk : Coming Down From the Mountains*, Paul White, Zed Books, 2015. *Revolution in Rojava : Democratic Autonomy and Women's Liberation in the Middle East*, Michael Knapp & Ercan Ayboga & Anja Flach, Pluto Press, 2016

ترجمه حمید محوی

پاریس / 13 سپتامبر 2017